

خواب غفلت و یا حنای بعد از عید

عبدالقدیر "همراز"

بیشتر از دو ماه میشود که برادران تازه دوقلو شده {روشن و یوسفزی} با تازه کاکا خوانده های خود {پیوستون و عبدالله نایی} پیراهن حضرت عثمان را به سر کشیده با نعره تکبیر خود را تکفیر و برهنه کردند. این بیخبران تازه خبر شدند که از هیچ چیز خبر ندارند!؟ پیش از اینکه ادامه بدهیم اندکی معرفی میشویم با چاچا پتی چا فلم نجیب جان روشن را بصورت کل قهرمان طنز محترم فرید طهماس است بس الف در جگر نه با نیکتایی و دریشی پوشیدن فکر میکند عقل کل است از آئینه نفرت دارد این عزیز ما در زمان حاکمیت آنطور پای نمانده که چاپی نکرده باشد اگر میگویند نه باز آنوقت لازم میفند که بدون پرده قصه های . . . را نمایم که هم شاهدان و خود شان زنده استند. آنچه مربوط میشود به زمان مهاجرت شان از روی قضا در کشور دنمارک با رفیق محترم فیضی معرفی شدند چون رفیق فیضی یکی از شخصیت های پاک و شناخته شده حزب که مورد احترام همه و شناخت وسیع داشتند پس نجیب جان "نجرابی" (روشن!) از هیچ تظاهر و . . . دریغ نکرده از طرح نشراتی رفیق فیضی که خود بنا بر مشکلات صحی و تخنیکی نمیتوانستند سوی استفاده نموده با گرفتن مسوولیت نشراتی . . . دیگر همه جریان را در نوشته رفیق عظیمی مطالعه نمودید این "روشن" ما (نجیب جان نجرابی) در هر جای روشنایی!!! کرده اند. عضویت کمیته فعالین، عضویت کمیته انسجام ح.د.خ.ا. رفیق بریالی، عضو فوق العاده شورای مرکزی نهضت آینده و اکنون عضو فعال انسجام حزب وطن {در یک کلمه حکمتیار نکتایی دار و بی ریش} و این آقا با استفاده از نشرات "آزادی" خود را در نزد شعبات استخباراتی خارجی دنمارک یک شخصیت . . . معرفی کرده و داوطلبانه بخاطر چند پول استخدام شده و به نام های مختلف از آنها پول میگیرد و به دستور مصرف آنها به افغانستان سفر کرده و اکنون در خدمت ارباب قرار دارند. طبق معلومات رفقای دنمارک با نامه مفصل . . . در این رابطه مقامات مسوول دنمارک را هشدار داده اند. آنچه مربوط میشود به ذکر یا جان که بعد قدم گذاشتند به آلمان یوسفزی شده اند موصوف کارمند اداره سوم امنیت دولتی بودند که این اداره را خاد بالای خاد میگفتند و ایشان یکی از مستنطق های آن اداره بودند به خاطر اعمال زشت شان بود که همه او را به نام "امینی باندیست" میشناسند و بخاطر گرفتن رتبه و مقام تعداد زیادی از افراد بی گناه حتی اقارب خود را که با آنها خصومت های شخصی داشت به نام های مختلف راپور ترتیب و زندانی میکرد و در جریان تحقیق با تهدید کردن به شکنجه های غیر اخلاقی آنها را مجبور به قبول عملی که انجام نداده بودند میکرد که ایشان بخاطر همین اعمال زشت شان با اعداب وجدان به تکلیف روانی گرفتار هستند به همین خاطر

در بین رفقا به نام "روح لیونی" معرفی هستند در مورد کارنامه های شان در آن اداره گفتنی زیاد است که ایشان هم اگر منکر حق شوند برای شما با شاهدان و ثبوت تقدیم خواهد شد. قرار حکایت یک رفیق، میگویند جناب سلیمان لایق برای یکی از مریدان خود گفته بود که یک گلابی را پیدا کنید که سرخ نه شده باشد و از طریق او فعالیت . . . نماید که آن مریدان جناب ذکریا جان را پیدا کردند و حال چاچا پیوستون کسانیکه منوکی منگل را میشناسند بس بدانند که کاپی ایشان برای آقای پیوستون به غیر از پشتون دیگران وجود ندارند میگویند روزی رفیقی از ایشان سوال کردند که اگر ملگری نجیب از ملیت هزاره میبودند شما چه میکردید؟ ایشان جواب دادند: حکمتیار صایب را فراموش کردی . . . و همچنان دوست دیگر از جریان محفل عروسی را قصه میکنند که در اطراف میزی تعدادی جمع بودند و نقل مجلس با ژست های رهبرنمایانه داشتند با زبان شیرین پشتو صحبت میکردند همی میگفتند "دا نهضتیان" "دا متحد ملی" . . . همه را به هفت کتاب به خیانت محکوم نموده به دوری از آنها توصیه میکردند از جمع رفیقی به پشتو از ایشان سوال کردند که ملگری پیوستون شما پشتو یاد دارید؟ همه از این سوال به اصطلاح بیجا آنهم از کسی که پشتون است و دارد به پشتو صحبت میکند چه معنی دارد. آقای پیوستون به لهجهء دیکتاتورانه پرسان میکنند که این چه سوال است؟ طرف جواب میدهد: بخاطریکه شما تا هنوز معنی نام فامیلی تان "پیوستون" را نمیدانید، همه خنده کردند. در مورد رفیق عبدالله ناییبی ما اینقدر گفته میتوانم حیف آن همه فهم که به هدر میرود، ایشان در این هوای بارانی اروپا با شیک ترین لباس و عطر فرانسوی تا اکنون بدون چتری گردش میکنند این بارانهای ظالم آنطور سر و صورت شان را گرفته که گذشته حال و آینده شان از پیش شان رفته است در رابطه به ایشان مراجعه کنید به نوشتهء دانشمند هم نامم محترم قدیر حبیب و آخرین گلی که به آب داده اند در حق رفیق محترم افضل لودین انجام دادند از ایشان به انواع و اقسام آن دعوت عاجل به اشتراک در نشست هامبورگ نمودند از این که آنها وقت کم داشتند آنهم در سفر میگذشت از عدم آماده گی خود برای صحبت در محفل معذرت خواستند ولی با سخاوت رفیق ناییبی ما مسوولیت گرفتند که بیانیه ایشان را آماده کنند چنان آماده کردند که اصلاً به حال سیاسی شان بر میخورد و مواجه بدون کدام موافقه آن نوشته را از نام شان در سایت خود به نشر رسانیدند.

اصل به سایت ازادی و صفوف وطن

کاپی به اصالت و پندار

ادامه دارد . . .

